

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

دوره جدید سال دوم - شماره ۲۲

مهر ۱۳۶۳

هله ۵۰ ریال



قدرت متحد توده‌ها

تنها ضامن شکست سیاستها
ارتجاعی رژیم است

رژیم جمهوری اسلامی
در طول پنج سال گذشته برای
در هم شکستن مقاومت
رزمجویان توده‌های و جنگجو
خلق کرد که تکیه‌گاه اصلی
سازمان قدرتمند کمونیستی در
کردستان در تمامی عرصه‌های
آن هستند سیاست‌های ارتجاعی
و سرکوشانه ضدی را بکنار
در صفحه ۲

توطئه ارتجاع منطقه

علیه جنبش انقلابی کردستان

در صفحه ۱

چرا کومه له از مبارزه ایدئولوژیک سالم می‌هراسد؟

گذشته او بر حاشی چریک‌ها دارد،
روی رهایی از آن را نخواهد دید.
کومه له این بار نیز برای
فائق آمدن بر حال سیاسی در
لایروانی کردن حقایق در زمینه
شیوه همیشه مسائل سیاسی و
بنیادین اختلافات نظری را با
کناری نهاده و با پیش کشیدن
پارهای فریاد تحریف شده
در صفحه ۱

تشکیل حزب کمونیست افشار
چهره به‌روزانی اقلیت نوشتمای
است از دوره جدید بسوی
سیالسم که در نقد مقالاتی از
ریگای گیل انتشار یافته است.
از زمانی که نقد ما از شیوه
حزب‌سازی کومه له و تفکرات
به‌روزانی و خرده به‌روزانی حاکم بر
آن در ریگای گیل به چاپ رسیده
بیش از یکسال می‌گذرد. آن هنگام
این نیروی مدعی مارکسیسم هنوز
حزب‌اش را نساخته بود، حال
امروز که چند ماهی است دوسه
سالروز تولد حزبش را پشت سر
گذاشته است چرا و بر سر چیه
شهرت به پاسخگوشی وادار شده
است، تحقق چندانی نمی‌طلبند.
این تحلیل هر چند هم با توجهات
شایع و فضا و تحریکات شکست -
انگیز توأم شده باشد، باز چیزی
از بام حقیقت نمی‌تاهد و خوانندگان
او را فریب نمی‌دهد. واقعیت
اینست که معضل حال کومه له،
دشواری گذشته است و مادام که

بسیار تیره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
در رابطه با اکیسون سراسری دانشجویان مواد آرزو سازمان
در اعتراض به سیاست تحلیلی و تخریب روستاهای کردستان
در صفحه ۱

چیه کسی "شکست طلب و منفعل" است؟

بسیار مدتی خودروتنی
داده و کبار دیگر بهی
پرنسیپی خود را
در پرشوردهای سیاسی
آنگار ساخته است.
کومه له در دفاع
اخبار خود در پرشورده
با یکی از مقالات اخیر
ریگای گیل (انتلافهای
در صفحه ۱)

را به تمام و کمال
عرفه داشته است و
با تصرف حقایق تلاش
نموده است بر انحرافات
خود پرده ماتمس
افکنده و با اسپرا
اتهامات واهی و
جنجال بر انگیز بسور
بازار کساد تبلیغاتی

کومه له اخیراً
در پیشرو شماره ۳
به دفاع عجولانه از
برنامه‌ها و عملکرد
خام خود برخاسته است و
یکبار دیگر شیوه
پرشورده به سبب
کومه له به مسائل
مسوز متاجره جنبش

خلق کرد پیروز است
جدول یک ماهه
علیات پیشمرگان
خلق کرد
در صفحه ۱۷

ده‌دهو میلله نیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی ده‌ده

نیاید نیاید... (موضوعی در مورد سراسری)

در رابطه با آکسیون سراسری دانشجویان هوادار سازمان
در اعتراض به سیاست تخلیه و تخریب روستاهای گردنستان

همه صوبان مازن!
مردم سراسر جهان!

پیش از آنکه سال از پیش روی
سرمه‌های بزرگ جمهوری اسلامی ایران
به گردنستان بیگانه طی این مدت
روزم با استفاده از نیروترین سلاحهای
امپروالیستی مناطق گردنستان را به طغیان
و شقیانته مورد هجوم قرار داده است.
این جنایت که بخشی از سیاست
سرکوب و زخم زدن سراسر ایران
می باشد هر روز ابعاد وسیعتری
به خود میگیرد. در اثر جنسیت
تسلیم به خلق کرد تاکنون تعداد
زادگی از توده های مردم آواره شده
اند و هر روز بر فقر و فلاکت عمومی
افزوده شده است.

اغویا نیز در این مناطق جمهوری
اسلامی دستور تخلیه روستا را
صادر کرده است و از ابعاد این
روستاها خوانده است که آجیساری
تخلیه در غیر اینصورت خائضه و

گامگاه آنها ایران خواهد شد. طبق
اخبار رسیده در این روزم تاکنون
چندین روستا را به آتش کشیده اند و
آبشار گردنستان در صورت عدم تخلیه
بچه روستاها را ایران خواهند نمود.
به همین مناسبت روز پنجشنبه
۲۲ مهرماه ۳۲ برابر ۲۷ شهریور ۳۲
وقایع هوادار سازمان پریشانی
فدائی خلق ایران در کشورهای هلند
انگستان، فرانسه، آمریکا، آلمان
هند، یونان، کانادا، اتریش، ایتالیا،
بلژیک و سوئد با برپایی آکسیونهایی
علیه این جنایت روزم دست بستند
انشاری زدند تا با کمک پرورش
خلق کرد را به کشور جهانگردستان
برسانند.

در این روز ابتدا مطارت روزم
جمهوری اسلامی در هلند به تصویب
وقایع هوادار سازمان پریشانی
جمهوری خلق سوسیالیستی
چند از دیگر برودان سوسیالیستی
برآمدند و توافق برآوردند که جهت

دقیقه تسلیم شدند در اثر جبرامانات
و اینطور روزم روان بیارستان شده و
صراحتاً با دعوات پلیس ۱۹ تن از
وقایع هوادار سازمان سوسیالیستی
انگلیس در زندان هلند بسر می بردند. همزمان
با این تخریب در سایر کشورهای
پرکوارکننده آکسیون فدائی هوادار
سازمان با ترمیم کردن خود جاسوسی
نمایندگهای سازمان خلق طرفین الطلل
در سراسر جهان میانی همه جهانگردان
را به حمایت آکسیون روزم سرگردنستان
طلب نمودند.

همه صوبان مازن!
مردم سراسر جهان!

روزم جمهوری اسلامی ایران
تحت سیاست سرکوبه تاکنون در همه هزار
نفر از انقلابیون ایران را تا این سالها
تورم است و در همه هزار تن دیگر را
در زندانهای مخوف خود به بندگی
گشوده است. بنابراین کلیت روزم سر
گردنستان افعال نازکی است از سیاست
سرکوب روزم سرگردنستان ایران. به سر
ترتیب سخن با انگلیس این قبایل
مربوط به اعتراض بوشنیه

سازمان پریشانی فدائی خلق ایران -
کمیته خارج از کشور
۱۳ شهریور ۳۲
۲۲ شهریور ۳۲

مصطفی رسولی

روشنای صبره با بجا گذاشتن
تلفات و مهیات فراوان گسه
توأم با به هلاکت رسیدن تعداد
فدائی از مزدوران بیسورد
رفیق مصطفی رسولی یکی از
ارزنده ترین رفقای ما و گارد
ارزنده جنبش انقلابی خلق
کرد و مدارح بیکر و خستگی
ناپذیر آرمان طبقه کارکن
جان خود را در راه رها کرد
کارگران و زندگستان و در یک
رهبر رفیق سرخستانه بسا
دشمنان انسان باخت.

رفیق مصطفی علاوه بر
تجرب و بیرواکی خود در عرصه
نظامی از خصوصیات کامل یک
تیمپ نموده این برخوردار بود
و فضل همت او به نموده ها
و صحبت او در برخوردار به

آنها که از ایمان خلق ناایست
او به قدرت لایزال انجمن
سرخستانه می گرفت او را از چپ
تورم او بی نظیر بیسورد
باخته و بدون افراق مصطفی
بر میان نموده ها در عرصه
انقلابی که با آنها انگستان
تصاری یافته بود از محبوبیت
نورده ای فوق العاده ای یافته
بود. این محبوبیت برجسته
مصطفی زمانی که با ایمان و
آگاهی کوششی و انجمن یا
تشکیلاتی او در هم می آید.
او را به یک گارد برجسته و قابل
انگنا جدول می ساخت. گاردی
که هر تشکیلات کوشش
نیازمند آن است.

رفیق مصطفی اگر چه
تنها یک دوره کوتاهی بسا
سازمان بود اما در همین
دوره کوتاه هم از خود چنان
یادگارهای فراوان گذاشتی در
نظامی زمین ها چه در
برخورد با نموده ها چه در
سراجه با مسائل جنبش و

چه در برخورد با سائیس
ایستادگی و تشکیلاتی از خود
به یادگار گذاشته است گسه
سرخستانه خاطره ذکر عرصه او در
تشکیلات سازمان فراوان است
و صفای او عرصه همزمان
گاردی یا تمامی خصوصیات
برجسته آن سرخستانه بسیاری
از رفقای او خواست ساخت.

در نخستین سالگرد
شهادت او خاطره این را گاردی
داشته و دلایل جنگی ناایست
و مدارح او را در مدارح
برای رهائی و تکوینی و
سرخستانه این نموده بسا
آرامش راه برآورد او آرمانی
را که مصطفی با سیاسی وجود
خود در راه تشکیلات آن تلاش
نموده و نهایتاً بیان ساخت
پای نهادیم.



چه کسی

از صفحه ۱

سرمود و اتحادهای آینه شده
سنگای گدل شماره های ۱۷ و ۱۸
(۲۰) نخست با راه هم به
باشتم تحلیل مشرکسی و
لهرالی از جنبش میلی-
مکراتیک کردستان - نموده و
فر ادامه، این حکم را صادر
نموده است که گویا ما در
چنین تحلیلی (که از سوی
کوه که به ما منتسب شده است)
از دستگارت بودن جنبش
انقلابی کردستان نتیجه
میگیریم که «پروژای در آن
نکته تعیین کننده داشته و
بهر طبعی آن شمرده

نی شود (پیشرو شماره ۳ تاکید از
و با سرنوشت جنبش
کردستان به سرنوشت حزب
مکرات کردستان ایران
شکلی دارد و با چنین
نموده ای و از طریق جعل و
تعریف حقایق، پایه ای برای
حرکت بعدی در جهت نتیجه
گیریهای جدید خستود
خدا نهاده است و سپس بسا
آرامه چنین سرخوردی، از
تکلیف ما بر اهت پیروند
رسانتیک جنبش انقلابی خلق
کرد با جنبش سراسری
کارگران و زحمتکشان خلقهای
ایران «تکلیف ملی و انفعال
شومیم» را نتیجه گرفته
دست به هوپگیری زده است
بدین وسیله در هر اتهامات
دریده سنگر گرفته و به دفاع
از خود برخاسته است .

از سبزه سرخورد کوه له
در دفاع از خود که بگذریم
زنگار تشبیهات غیر سیاسی
با از مواضع آن بزدانیم آنچه
که میماند شصه ای
اختلافات کوه له بسا ما در
همه های مختلف است . اعلم
از سنگر به جنبش انقلابی
خلق کرد نظر و جایگاه آن
در جنبش انقلابی خلقهای
سراسر ایران و رابطه آن
با این جنبش و تاثیر و اثرا ت
متناهی، فیالمین در عرصه
گرونی مبارزه، و از این نقطه
نظر چگونگی تعیین چشم -

اندازه های روشن برای آن ، و
نیز چگونگی سرخورد به جنبش
ملی در کردستان و سازماندهی
درونی آن متناسب با اهداف
و نیروهای مادی آن، و امر
هدایت و رهبری آن .

بدون تردید، امروز یکی
از مهم ترین و اساسی ترین
مسائل جنبش خلق کرد راه
حل ساله ارتباط آن بسا
جنبش سراسری و نظر و جایگاه
آن در این جنبش و نیز از
این رهگذر اتحاد سهاست های
روشن و اصولی بر مبنای درک
مشخص از چنین رابطه ای
تشکیل می دهد . ساله ای که
حل آن از اهت و در شرایط
مشخص کنونی از نقیاء نظیر
بازگشایی راه برای هرگونه
حرکت آتی در جهت ایجاد
انجام در درون جنبش و وحدت
ملی در صفوف آن بر بنیان
هدف یسدی واقعی طبقاتی و
توازن قوای کنونی، از اولویت
سزای سرخوردار است .

این که چنین ساله ای
هنوز بعد از پنج سال
مبارزه خونین در کردستان
پس تلاطم مبارزه باقیاتس جاری
هنوز حل نشده و پاسخ اصولی
نیافته است و جنبشی از
تجربیات گذشته جنبش
انقلابی خلق کرد چه در
ایران و چه در سایر کشورهای
همسوار هیچ آموزش معینی
در این رابطه کسب نکرده
است، خود معطل مهم دیگری
است که بدون تردید نه نشانه
رشد و وسیع سیاسی بلکه
محدودیت و آشفتگی در صفوف
حاطمین دیدگاههای محدود و
تنگ نظرانه ناسیونالیستی است .

ما قیلا مبارزه زمینه های
عینی ارتباط ارگانیك جنبش
انقلابی خلق کرد و جنبش
انقلابی کارگران و زحمتکشان
سراسر ایران سخن گفته و
زمینه های مادی و اهداف
مبارزه کنونی را در کلیت
خود در این زمینه روشن
نموده ایم . پیرامین اهداف
جنبش انقلابی خلق کرد در
زمینه رفع ستم ملی، ایجاد
جامعه ای عاری از ستم و
دست یازیدن به سکان
سرنوشت سیاسی و اقتصادی و
اجتماعی و فرهنگی، بنیان جامعه

نوع و نیز چگونگی حصول
به چنین اهدافی متضمن
گفته ام . و نظر و جایگاه
مبارزه کنونی در کردستان
را با توجه به ابعاد آن و
زمینه های کنونی آن، در
جنبش سراسری خلقهای ایران
و حوزه و محدود علکرد آنرا
چه در محدود ملی - (از
طریق ایجاد بنیان عالی
قدرتند . حاکمیت نموده ای در
کردستان از طریق سازماندهی
و شکل نمودن قدرت بالقوه
و بالفعل نموده ها و کاتالیزه
نمودن تمامی امکانات موجود
در جهت بهره گیری از آنها
برای ادامه و گسترش قدرتند
جنبش کنونی و ...) چه
در محدود سراسری - (از
طریق ایجاد اتحاد واقعی و نه
خیالی با جنبش انقلابی
نوده ای کارگران و زحمتکشان
سراسر ایران بر بنیان
اربابی عینی و دقیق از نظر
و تاثیرات درت جنبش ارتباطی
در اتحاد نموده ها و تاکید های
سرخورد با مسائل ملی جنبش
کنونی و ...)
نموده ایم و فقط اشاره ای
مختصر به آنرا بسازیم
پناه آوری کرده و روشن
نمودن زمینه اصلی اختلافات
موجوده سراسری می دانیم .

مبارزه انقلابی کارگران
و زحمتکشان خلق کرد در
اساس ترین و بزرگترین
جراثیم ناپدیدسوی از مبارزه
جاری در سراسر ایران علیه
نظم استکراتی سرمایه داری و
ماشین سوروکراتیک نظامی آن
و برای سرهم نشستن و
حاکمیتی آن با همه نظام عادلانه
و دمکراتیک و انقلابی است
مبارزه ای که در شرایط کنونی
در تمامی حوزه خود از ابعاد
و زمینه های مشترک و عینی
سرخوردار است و لازمه رشد
و تکوین و پیروزی آن
یکپارگی و وحدت درونی آن
است و بدون چنین وحدت
درونی هر وقت قاعده بر نظم
صورتد با سیاسی ایجاد
حقیقت برای آن در تمامی
عرصه های اجتماعی و اقتصادی
و سیاسی جامعه کهرالطی
ایران میسر نیست و از این

هر چه گذشته نوباد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

جمله گویی

مهم ترین هدف، مقایسه
در منطقه به لحاظ فیزیکی و
اجتماعی به عبور گوید که
تغییر جهت و سبب از نقطه
ساخت و یافت اجتماعی
به زمینه یعنی مبارزه
فیزیکی بوده ها و حدود معینی
در جهت اجتماعی و اقتصادی که
چنین مبارزاتی را
شکل می دهد چنانچه
شکل ای بیابان هیچ چینی
است و موضوعی ندارد.

مسلماً شرایطی که
کارگران و زمینداران
در آن به سر می بردند و زمینه
تغییر جهت انقلابی آنها را
شکل می دهد، شرایطی را
تغییر اجتماعی کارگران و
زمینداران با شرایط
ایران و هر جای دیگری
تغییر دارد و گوید که
چنین سالی شکل عدم ترک
بود را در این زمینه به
تعمیر ویدی اشکال ساخته
است و اگر گوید که از چنانچه
تغییر برخوردار بوده مسلماً
سوی جهت ملت تداوم و رشد و
تغییر جنبش انقلابی خلق کرد
را در شرایطی که در مراسم
ایران چنین جنبشی و با چنین
ایمان و شکل مبارزاتی وجود
ندارد. با برخورد طبیعی به
زمینه های مادی و معنی و علل
و عوامل ذهنی حاکم بر آنها
که مستقیماً در اشکال مبارزاتی
عین و نمود و میزان شکل
آنها خود را آشکار می سازد
نکرد. نماید. و مهم ترین
عده از چنین نقطه نظری
عده که شکل انحرافی ضابطی
سوره مقایسه گوید که
شکل می دهد به تحلیل
نقطه اشکال آنها در مبارزه
جنبشی و تعیین می گشت.
گوید با تأکید بر جنبش
ای و نتیجه گیری مستقیم
از آن و با پرداختن به ساله
تعمیر و عدم تابعیت یکی از
تغییر، ساله را تا حد
بهر با اقتصاد ای ساده گرفته
است. اما تنها وضعیت معنی
و نتیجه رسید این مناطق و
شکل طبیعی آنها نیست که
گوید که آنها از ظم انداخته
است، گوید که ویژگی های حاصل

از جنبش اختلالی عینی را نیز
که مستقیماً خود را در جلوه
و شکل تشکیل و نه الزامات
سطح آن که به عنصر
ذهنی و عبور بستگی دارد را
نیز از ظم انداخته است.
گوید که می گوید: "چگونه
است که ۲ سال هر از استقرار
حاکمیت جمهوری اسلامی ...
هنوز یک جنبش انقلابی
آشکار بوده ای و صلحانه در

در کردستان ایران دارد ...
در حالیکه در نقاط دیگر ایران
به هیچ وجه چنین وضعیت
موجود نیست. (پیشرو شماره ۲)
تأکید از ما) "گوید که
وقتی که بر جنبش "توده ای و
صلحانه" در کردستان تکیه
می کند و مد گوید که "در نقاط
دیگر ایران به هیچ وجه چنین
وضعیتی موجود نیست" با توجه
به مقایسه دیگری که در این
زمینه و در جای دیگری بعمل
آورده است و هدفی جز مقایسه
"نقاط دیگر" از نقطه نظر
شکل یعنی جنبه صلحانه
بودن مبارزه کنونی با کردستان
را ندارد. خود گوید که در این
زمینه با مراعات هدفی را
جایی که به "عقب افتادگی" جنبش
سراسری پرداخته است روشن
می کند. او "عقب افتادگی"
مورد نظر و "توک" خود از
آن را به این شکل در پاراگراف
توضیح داده است:

"عقب افتادگی از لحاظ
درجه رشد و اشکال مبارزه"
توده ها و نه الزامات از لحاظ
مضمون" (پیشرو شماره ۲)
همانند که در کشور
فوق شکل گوید که عدم ترک
زمینه عینی بهتر جنبش مبارزاتی
بود. مسلماً در مقایسه
فوق نیز شکل او عدم "توک"
واقعیت های مبارزه طبقاتی
است. ساله اشکال مبارزاتی و
امر رشد و شکل جنبش های
توده ای با زمینه های تفاوت
عینی در یک کشور کثیرالطنه و
توک آن در شرایط کنونی جامعه
با چیزی است که هنوز در سطح
نیروهای سیاسی مختلف و بجز
جریان های متعلق به اقتدار
میانی و غیره لایحیل باقی
مانده او خود به معنی مهم
دیگری بدل گشته است. چیزی
که گوید که سخت دچار آن است
و با سخاوت تمام این "عقب -

اقتصادی خود را به کل جنبش
سراسری ایران نسبت داده
و به این نتیجه رسیده
است که "انقلاب صلحانه توده ها
در کردستان" را نمی توان به
یک جنبش جنبش عقب افتاده ای
"تابه" نمود و این نتیجه را
از طریق مقایسه این دو
جنبش از نقطه نظر شکل
صلحانه و نه مضمون آنها
گرفته است.

اولاً مبارزه صلحانه
خلق کرد سرزمین مادی و
عینی حاکم بر زندگی این
خلق نیست مضمون (که مشخصه
اهلی آن را عدم انحصار
تحولات مبارزه ای - دیکراتیک و
مضور در تضاد نظامات ماقبل
مرسایه داری تشکیل می دهد)
با آنها بر مضمون های مبارزاتی
دیرینه خود است و پیشروکنی
این جنبش نه صورت در صلحانه
بیدن (که خلقت جنبش
هائس با توجه به نظر طبقات
شکست گنده در آن است) بلکه
در توده ای و همه گیر بودن
آن است.

ثانیاً "عقب افتادگی"
سای در جنبش سراسری مضمون
بجود دانسته باشد طبق مضمون
اقتدار گوید که در شکل
مبارزه آن که در سطح تشکیل
آن است چرا که جنبش کارگران
(بصره) و زمینداران شهری
بر خلاف جنبش های عقب افتاده
دخانی نه بر حیل تشکیل
نظامی که حول شکل سیاسی
خام خود صورت می گیرد و شکل
سروز آشکار جنبش توده های
شهری که در آنها نقش طبقات
کارگر بارزتر از همه اقتدار و
طبقات دیگر و تعیین کننده
است نه جنگ صلحانه توده ای
(بر خلاف جنبش های نسوع
آبی که عنصر تعیینی در آنها
از ترکیب و کیت بالاقبسی
بموردار است) بلکه اقتضای
های سیاسی گسترده و در
ارتقاء یافته ترین شکل خود
تمام صلحانه توده ای است که
با صلحانه نوع آبی سراسری
و کیفی دارد. و اگر ضعفی
در این زمینه وجود دارد نه
در صلحانه یا غیر صلحانه
بودن آن بلکه در سطح تشکیل
و سازماندهی و نقصان در امر
هدایت آن به دلائل مضمون
است.



جمله کسی

نمود آنچه نه به لایب علمی و ضرورت های مبارزه سیاسی، بلکه تنها به دلیل "عشق فدائی" افت کرده در عین حال فکر این سال هم متعلق به نظریه تصور شده پس هیچ گونه تاملی تصور ندارد. همه چیز از خود پیوسته و مستقل است. چون "گردستان" از "ایران" به شرقی تر است و در تمام به هیچ وجه وضعیت همین گردستان نیست و از نظریه علمی نمی توان علناً از گردستان را تابع گردستان تصور کرد. همانطور که گردستان را به ایفهان یا تبریز و ... تصور کرده اند. منطق حالتی است که در دهان ساده لوحی را گدازه گذاشت ولی هرگز نمی توان خط و خطی برای خطی شدن تعیین کرد. گویند که این نظریه و امتدادی ندارد به پیرو لایب و تنها به "ایفهان" آخر اتهام "تفاهت" می آید است ...

چگونه دهقانانی هستیم که ... (پیشرو شماره ۳ - تفاهت پیرو) گویند که باید بدانند که این "تفاهت لالی" فقط می توان خود را در ذهنیات "فدائیان ساده لوحی" ساخت ولی هرگز نمی توان گفت جنبش عمومی را پیروزی کرد و به پیروزی رسانید چرا که پیروزی تنها شعار نیست و صبر صبور خود را دارد، صبر و پستی عینی خود و حرکت گامونند بر چنین پیروزی را دارد و هر مبارزه ای که از آنجا به پیروزی منتهی نگردد ایضا هر پیروزی ای هم پیروزی نیست.

آری! باید برای پیروزی بجایید و برای رسیدن به آن بهترین بتائیل و سربازان خود را با بیخ نمودن سازمان می کرد و جهت تعیین داد مهم تر از همه صبر داشت. هر هدفی هم سازماندهی خاطر خود را دارد. اگر هدفی عمومی جنبش انقلابی گرونی مروتگونی رژیم جمهوری اسلامی در هم شکستن نظام پرسیایه - داری حاکم و از این طریق

کسب رفاهانی طوسی و حق تعیین سرنوشت (چه به شکل خودمختاری در پارچوب ایرانی آزاد و سراسری یا تشکیل دولت مستقل طوسی) است باید دید که کسب این پیروزی در کدامت؟ مسلم است که مبارزه برای تحقق چنین خطی سازی مفهومی و تحلیل منحصر خود را از وضعیت می طلبد. بافت مربوط به "اتلافهای موجود" اقتصادهای آینده که این همه گویند را به دفاع تشبیه از خود یاد آید است و از این پس از وضعیت کنونی و چشم اندازهای آن و برای ایجاد مقابله بهای ضروری برای هر چه قلمرو خود تصور نمودن جنبش گرونی گردستان بطور آشکار از این طریق و به طریق دیگری جنبش سراسری بطور آشکار تر شده است و با ترسیم اهداف مرحله ای جنبش منتهی بر مروتگونی و پیروزی و کسب حق تعیین سرنوشت شکل نعمت مقرر ایجاب از آن پس ای دوره ای را که در گردستان و پیروان های نظم پیرو گرانیه نظامی ارتجاعی حاضر به نقاط ضعف آن بطور آشکار شده و نقاط قوت آن را بررسی کرده و برنامه تعیین و برای تحقق اهداف این مرحله از جنبش ارائه نموده است.

گویند که به جای پیروزی اصولی و آزاد هرگونه تحلیلی از وضعیت منتهی سرخ و خرم رخ را پیش می کشد. اول سرخ بوده یا خرم سرخ؟ ساله پیوند با جنبش سراسری را به ایفهان یا گردستان، به شرقی تر است یا غربی تر است، تفاهت مروتگونی و طریق اولی، با درایت بسیار رفاهانی انتصاب خود را می کند. ولی واقعیت چیست؟

واقعیت این است که گویند که نه تنها درک روشن و درستی از رابطه عینی و عینی مبارزه خلق کرد با جنبش سراسری ندارد و به همین دلیل نیز چنین پیروزی پیوسته با اقتصادهای با آن می کند. درک روشنی از وضعیت عمومی سیاسی جنبش نیز نداشته شرایط گرونی و موقعیت جنبش خود را در مرام ایران را درک نمی کند. مقایسه های او پیوسته آشکار می سازد که او نه از ضرورت عینی پیوند با جنبش سراسری بلکه از تحلیل شکست جنبش سراسری به نفس آن می رسد و

واقعیت این است که گویند که نه تنها درک روشن و درستی از رابطه عینی و عینی مبارزه خلق کرد با جنبش سراسری ندارد و به همین دلیل نیز چنین پیوسته با اقتصادهای با آن می کند. درک روشنی از وضعیت عمومی سیاسی جنبش نیز نداشته شرایط گرونی و موقعیت جنبش خود را در مرام ایران را درک نمی کند. مقایسه های او پیوسته آشکار می سازد که او نه از ضرورت عینی پیوند با جنبش سراسری بلکه از تحلیل شکست جنبش سراسری به نفس آن می رسد و

پیوسته تمام "انواع پیروزی های اقتصادی" را بر می آید و "تفاهت" را در عین حال تصور می کند و از این تصور عینی خود کسب می کند. و عیناً همین گونه که در همین جا تفاهت است. تفاهتی نویسنده اینجور از هر جنبه حال و هوا

گویند که از ساله رابطه جنبش انقلابی خلق کرد با جنبش سراسری و تابع نمودن پیروزی و انت و جنبش جنبش سراسری ایران "وضعیت کنونی" آن فقط تأیید آن از "انت" جنبش سراسری را تقویت می کند و می گوید "تصور می آید که ... به وضعیت ای دیگری بخیر تمام" کسری از انقلاب منزه کرده است و در گردستان به شرایط "وقف افتاده" جنبش سراسری ... در حال حاضر دارد. و با چنین

وضعیتی هم هست که فیصله پیوند خود را با شرایط تعیین آشکار می سازد که ضرورت انت جنبش سراسری ... جنبش را در پیوسته جنبش خلق کرد قرار می دهد؟ ... آیا باید ... (پیشرو شماره ۳) همه این سؤالات بیجا گویا و واضح کرده اند از وضعیت جنبش بر کل آن و روحیه

گویند که برای رفاهانی از منتهی ای که با منتهی سراسری انحرافی خود به وجود آورده است همین انتظار منتهی برای "برآمد جنبش سراسری" و حرکت فعال در حرکت نیست سازماندهی و هدایت جنبش برآمده از طریق ایفهان توان پیروزی طبقاتی برای ارتقاء و سازماندهی آگاهانه جنبش پیوسته راه سوم را انتخاب می کند و به پیوسته راندن نیروهای اشتغالگر از گردستان جنگ می اندازد و نهایت می زند که هرگونه نفس هدایت مستقل جنبش انقلابی خای کرده ... به پیوسته آماده نمودن شرایط برای یک انقلاب سراسری ...

بدستورن ضروریات را تصور همه جنبش کارگری و انقلابی سراسری صورت گرفته (پیشرو شماره ۳ تأکید از صا)

چرا کومه له ...

از صفحه ۱

پارزه آید و در این زمان را تا حدود
خورد کاری انفعالی تفرقی داده
است. تازه این همه "تاجیرا"
نیست. ابراهیمی در ضمن و
تحریرات فرض الیوم مخاطب که از
عنوان مقاله برمی آید در چهره
اصطلاحات و همبانات صفت و
شخص دهانی گرد آمده، به زودی
تصاویرهای پرچمی و غرض آزمسته
عده و با خود آرائی های
ظواهری در هم آمیخته است. تو
کش جهان از ابداعات نوره آسای
عزب آبی او به کین نشسته و

در بخش ی صورت
نه رفا جانطور که خودشان
هم نموده آید متوجه بر سر
ریشها و صورتی خفاوت کنار
نیست. اشتکای بر سر دو تگوش
صفاوت طبعی و در دیده
که ضداد از تبیین صاف انقلاب
ایران است. صفت بر سر امانه
انحرافات ضلالت شدای است که
تو بخش "مارکسیسم انقلابی"
ی خواهد دوباره گرایند

خود به روزانی را در جنبش چپ
ایران رنگ دهد یا صحت سر
ببینیم طایف خود، به روزانی
دهانی را در آن رامن بزنده
میوه چارز آید و در کومه له
تیز از این انقلاب صحتی نیست
شاهکار نرک کوه که از نقد
با سر این دو فرضیه دلچسپراه
غلامه عده است که نیست این که
گیا با افکات صحن جان را باروش
جلوه دادیم و در آبه های او
چوگ به قدم صورت بر سر
مارکسیسم با جنبش طبقه کارگر در
یک کلمه شخصیت برداریم و
دوم اینکه با بکار صوم تشکیل هر
حزب کمونیستی را طبقه به جنبش

خود بخوری طبقه کارگر دانسته
(چون سوسیالیسم تاکیدی از ما)
و آثار این صوم اساسی تشکیل هم
حزب کمونیستی فداکار کرده ایم
با پانز این صافی را از نحوه
چارز آید و در این کومه له آغاز
ی کسوم

یک گل آلود کردن
چارز آید و در این کومه له
از آنجا که طایف طبقه خیره -
به روزانی دهانی را نمایندگی

ی کنند عنصر هم از درت ادبیات
مارکسیستی بر سر نیارده اند و
زبان مارکسیستبارانی فهمیده
صروف از آنها که صفت
مارکسیست بودن هستند و خود را
یک جریان مارکسیستی جا می زنند
جبراً سعی نموده به نقل و قال های
توفالی آنان و برای آگاهی
خوانندگانشان به ادبیات مارکسیستی
توجه شان را معسر

در مورد اول کومه له در استناد
به نقل قول های کوتاه شده ای از
نقد ریگای کلد که می گوید:
سخت شرایط عزب را به
یک شرایط کلی واقعی و ابسدی
تعمیم می دهد که مطابق تعاریف
او همیشه و همه زبان شرایط

برای تشکیل حزب کمونیست میسا
بوده است ... و بر اساس نظر

تئوری بردارهای صفت، صفا
می توانیم خیلی بخش از اینها
یعنی از همان هنگام که "کومینم"
با جنبش طبقه کارگر جسمانی
پروند خورده بود طبق دستور -
اصلی صفت حزب کمونیست ایران
را تأسیس کنیم که در تشکیل
سیاسی دیگری را که مورد نظر او
باشد حزب کمونیست تلقی کنیم
(ریگای کلد شماره ۱ تاکیدهها
از کومله)

با طاعت کورکانهای بد دفاع از
نظرات صفت (یا به قول خودشان
"اتحاد چارزان کمونیست")
پرداخته و چنین اظهار نظر
می کند:

تصویر از این آشکارتر
امکان ندارد. تمام ادبیات و
ملکود مارکسیسم انقلابی (یعنی
صفت) در ایران به آنکه مبارزه
برای ایجاد یک حزب شخص است
که در شرایط سیاسی مشخص پدید

می آید. در این نبردها (یعنی
همان صفت) تاریخ واقعی و
شخصی را در پشت پرده خوب
دارند (اگر تراوش نکرده باشند
خود سیاسی ما در همان دهی
سوسیالیسم صفره انشان داشته
بودند در این دوران ضمیمه
تاریخی به "سفل بازی" مشغول
بودند. تاریخ مبارزه پروند -
شده علیه نظرات دیدگاهها و
سیاستها و روشهای روز کمونیستی
طلی مارکسیسم را. قبل از این
مبارزه امکان ایجاد چنین حزبی
موجود نبود اما بعد از آن این
امکان وجود داشت و صفت
کمونیست هم بوجود آمد (چشم

تاسیس کنندگان روشن) (یعنی
سوسیالیسم روزه جدید شماره ۱
تاکیدهها از کومه له)
با بعداً به نقد انحرافات
نظری اینگونه خود ویژگی های
من در آوری خواهم پرداخت
اما فعلاً صفاوت واقعی را که
آیا صفتی از جانب ما صورت
گرفته است یا نه به خود خوانند
کارن صفت کومه له را اگر می کنیم
با آن را به روز دوباره استناد
ایمن بیک ما دعوت می نمایم.
بعلاوه از آن است به مورد دوم
"صفت" ما که ارتباط مستقیم با
مورد اول دارد توجه نمایند تنها
حای هیچگونه شک و شبه ای
باقی نماند.

کومه له که به خیال خود "چگ گیری"
کرده است به شیوه پهلوان پنهانهای
وطنی یا غرور کاذبانه ای می افزاید.
نویسنده ریگای کلد همه
اینها را از چه چیزی تعبیر
می کند؟ از اینکه ما گفته ایم
پروند با طبقه کارگر (توده گیر
شده عزب) از طرزات و پیروز -
شرایطی تشکیل حزب کمونیست
ایران نیست.

البت به جای اینکه روی نکته
انحرافات بگذارد و اگر نقدی
(صحت یا غلط) بر آن دارد،
بر روی این نکته متمرکز نموده
بدین هیچ شرم و ایثاری از حکم
شکر حکم دیگری می سازد.
ببینیم این "حکم دروغین ریگای -
کلد چه بوده است؟

همه سفسطها (ی صفت)
برای اینست که به خوانندگان
دقیق زده خود حالی کند که
صحت نیازی به ارتباط تنگاتنگ بین
حزب و طبقه وجود ندارد و مطلقاً
احتیاجی به پیروند با طبقه نیست
و نیازی به گسترش بین صفوف
پروانرا را ... وجود ندارد
(ریگای کلد شماره ۱ تاکیدهها از
کومه له)

کومه له بعد از این "چگ گیری"
چنین ایامه می دهد:
"اقلیت در تمام استفاده لاتی"
که علیه تز مذکور آورده، بنیان کار
خود را بر همین سوروز اخیر نهاده
است. ... درونی صرم کرده و
سپس با ساعت تمام طی صفحات
بسیاری درباره غلط بودن و لزوم
اهمیت درستی پروند حزب و طبقه
داد سخن داده است. آنجا که
نویسنده ریگای کلد به حکمی که
از خودش ساخته و پرداخته و به

چرا کومه له...

اول روئید یا اول خیز؟ کومه له در همان مقاله "ست کار کومه له..." بدان پاسخ داده شده است. رهبری کومه له از دانی مارکسیستی که هیچ جنبی اگر از فرهنگ پیشرفته تری از آنچه خدمت بهیرضد بود و به فن پلیتیک و اصول آن آشنایی داشت و لابل اینها می دانست که اظهار نظرات و عقاید دیگران نسبت به خود را هرچه که باشد نمی تواند و نباید به اتهام دروغپردازی ظفر سارده مگر آنکه در اصل و نظرات مستقیم او تفصیری داده شده باشد. چنین شیوه هایی تنها می تواند بستر مبارزه ایدئولوژیک را گسل آلود نموده و مسائل مورد ضایحه را از دیدها پنهان نماید و سرانندگان را از درک خصصین و محتوای اصلی نظرات بازدارد. آنها سرانندگان "جنبی سوسیالیسم" نباید بدانصورتی که چرا را با چه انگیزه ای بحث بزند یا عدم ضرورت آن با جنبش طبقه کارگر را به جان کشیده است. اما نباید روشن نمود که در کده این احکام من در آوردی چه دانی نهفته است. اگر این بحث ها بحثهای آکادمیک و جدلیات صرف تفریک نیست و بازتاب مشخص بر دانه آن دارد و در تاکتیکهای اصلی کومه له به کار گرفته می شود آیا کسی نباید وحی ندارد طرح نمود و نسبت به این چراها و

صنعتات انحرافی آنها محسوس نماید. آنها طایفه فدائیم این واسطه را فاش سازیم که چون کومه له وسعت بدن پرورش با جنبش طبقه کارگر و بدین پیوند یک امریات مشترک سیاسی که هم جنبش کارگری ایران را به یکدیگر شکل میدهد است. اندر کار تشکیل جنبشمان شده اند و یک اقلیت ناممکن از جنبش انقلابی ایران را با یکسره پروتانه بهوزار برهمی جنبش کمونیست ایران نامیده اند. و بناظر آن که نیروهایشان را سبب کشید این امر ایامی شکل بهتسلان کشیدن بر مبارزه ایدئولوژیک در محدوده "نظری یا سرتیک مبارزه طبقاتی و عدم پیروی رهبری عطسی مبارزه طبقه کارگر است".

کسر آگاهی تکلیفاتی در تعریف و نتیجه از "مبارزات ایدئولوژیک" رهبران سهند طی چهار سال مبارزتی از مبارزه تفریک سبک چاک نمی کشند که "این سرورها ناریق واتی و ضعیف را در بحث هر خود دارند تاریخ مبارزه ایدئولوژیک علیه جنبش سوسیالیسم سیاستهای روشهای ویدئوگرافیک جنبی مارکسیسم است. این مبارزه احکام ایجاد جنبی وجود بود اما پیوند ایران این امکان وجود یافت و مورد کجاست هم بوجود آمد.

(همان شکل است)

آنها ما می میدانیم و نباید بگوئیم رهبری کومه له با این افتات (حق اگر بگویم خودش درست هم باشد) انبهای مارکسیسم را آورده اینها است و ارتباط مبارزه ایدئولوژیک نظری را که می تواند به استقام

باید های بنادین نظری کت کشد و جنبش طبقه پرولتاریا را پیش برن تا برانست مبارزاتس طبقه کارگر که بنیادهای جنبش تشکیل حزب را فراهم آورد. مفسد و تر می نهفتند.

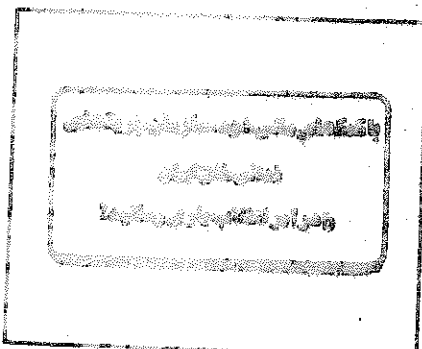
آنها ما نباید بگوئیم بهین امرای با نقطه نظرات جنبی در تناقض آشکار قرار دارد؟ غیر همین تاکید نمی کند بدون پیوند مارکسیسم و جنبش طبقه کارگر نمی از حزب کمونیست می تواند دویمان باشد و مگر او چنین پیوندی را محصل فقط

توليدات سال ۱۹۱۵-۱۸۹۴ و انتهای ۱۹۱۶-۱۸۹۵ (توجه کنید هر دو عامل) طبقه کارگر روسیه می دانند؟ مگر همین نمی گوید تا سال ۱۸۹۵-۱۸۹۴ به هیچ وجه چنین پیوندی وجود نداشت و گروه آزادی کارتنها را تکیه کیده تنها شالوده های تشکیک جنبش سوسیال دموکراسی است. همان گذاشته بود ۳ کومه له اگر اندک نظرات تشویک انحرافی بود را هم حساب بالا بهمنش مارکسیسم انقلابی است که در حقیقت با این از تکیه است. اسرار از شایک طایفه و خود و زبانی باشد. با اینان اگر ما بگوئیم هم حزب کمونیست سهند خود نیست روزنامه است که برایش ارتقا بد. متناقض با جنبش پرولتاریا و استقلال جنبش آن حلقه طرح نیست. آیا در فرهنگ عقب مانده کومه له حجم به دروغسردازی بنیادیم نشد؟

(ادامه دارد)

توضیح و تصحیح:

در وگان گیل شماره ۱۸ در بیان نامه فدائیان خلق امر پرویز هوین صفحه ۱۹ ستون سوم سطر ۲۲ - تاریخ شهادت رفیق بجای خود را ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ چاپ شده است که به بنویسند تصحیح میگردد.



کمکهای مالی دریافت شده

- فاطمه محمدی ۳۰۰۰
- سعیده کریمان ۱۰۰۰
- بهزاد شهبازی ۱۰۰۰

نوطه ارتجاع منطقه ...

از صفحه ۱۸

اسیاه کفنده اصلی پیمان ستو
را با همکاری رژیم ارتجاعی
جمهوری اسلامی و رژیم ژنرال
شیخ در پاکستان پهنه گرفته
است و غیر شرقی نبوده و نیست.
و همانگونه که حرکت ترکیه در
جهت احیای مجدد پیمان
ارتجاعی و امپریالیستی مذکور،
خود گواه هرچه پیشتری بر ایجاد
زمینه های انقلابی هر چه بیشتر
ارتجاع و امپریالیسم و تحکیم
پوشش کنونی آنها به وسیله بند
از تحولات مربوط به جنبش
فلسطین و حمله اسرائیل به
لبنان و نیز تداوم جنگ ارتجاعی
دولتین ایران و عراق کسه
پیشترین عرصه ها را برای جولان
امپریالیستها در خلیج فارس
باز کرده است و در این راستا
نیز حرکت عسلی ترکیه در زمینه
تشکر گسی به خاک عراق بسرای
سرکوب جنبش کردستان دیتسا
گام آشکار و برهمی در جهت
تعلق جنبش استراتژی بوده
و هست.

آنچه که دولت ژنرالهای
حاکم بر ترکیه دنبال می کنند
در جهت استراتژی ضد
انقلابی امپریالیستها در منطقه
خاور میانه جهت مقابله با کلیه
جنبش های انقلابی در منطقه
است و از این جنبه نیز هست
که موضوع این حمله و تحولاتی
که در اطراف افسای قرار داد -
عائسی از قبیل قرار داد بین
دولت ترکیه و عراق اضا شده
است پایه از سوی نیروهای
انقلابی جدی گرفته شده و از
هیچ گونه اقدامی جهت افسای
ساخته جنبش قرار داد هائسی
کسیاهی نگردد.

بدین ترتیب رشد و انقلابی
جنبش انقلابی خلق کرد در ایران
عراق و اخیراً سرور آشکار تحریک
فلسطین توجه آن در ترکیه زمینه
فلسطین حمله کرده و هست.
اگر چه حمله چند ماه پیش ترکیه
به پیمان حفاظت لوله نفت
عراق به ترکیه که هم اکنون
بعضی آنها طریق صدور نفت
عراق محسوب می گردد تا حد
زیادی با حکومت سرگزار شد، اما
مطمئن سازمان یافته و پرتابه ریزی
شده. این بار که طی قرار دادی

رسمی عسلی گشت و اهداف خود را
به روشی در صورتی توضیحات
طرفین پیرامین این قرار داد
آشکار ساخت و بدین هیچ پرده
پوشی ای بعنوان تعلق بسرای
سرکوب جنبش خلق کرد اسلام
گردیده، بدین ترتیب همانگونه
میزان گسترده جنبش خلق کرد
از یک سو و ترس و وحشت و تجمین
از رشد آن از سوی دیگر بوده،
در عین حال نشان دهنده تجمع
نیرو و تهاجم آشکار و بی پرده
خدا انقلاب نیز می باشد. کسه عسلی
ورد دولت های مشابه به خاک
طرفین را نیز بسرای ماسوره
جنبش آشکارا نیاز نموده است.

دولت ترکیه که خود محصول
ترس و وحشت امپریالیستها از رشد
جنبش توده ای در ایران و به گوی
سپرده شدن رژیم شاه توسط
توده های میلیونی و ضرایب از
گسترش دامنه آن در منطقه و
به ویژه در وضعیت بحرانی ترکیه
و بسرای جلوگیری از هرگونه رشد
آنی جنبش جنبش در ایران
خود ترکیه تهاجم خود امپریالیست
ها و مستقیماً از طریق ناتو
بسر سر کار آورده شده و در راست
اصو قرار گشت، آشکارا قصد از
سرکوب و کشتار و تهاجم کردن
به آنها هزار نفر بر ترکیه و
سر قراره، اراضی گولستان توان
گشود و در نتیجه سرچشمه دار
سیاست تهاجمی امپریالیستی
امپریالیسم در منطقه پسندل
گردیده است و چه از طریق
احیاء قرار داد های جدید در
زمینه پیشبرد این سیاستها
نقش و ایستادگی امپریالیسم را
مستقیماً پهنه گرفته و علاوه
بای خود را جای پای رژیم شاه در
سالیهای قدر قدرتی خود نهاده
است که در سال ۱۹۷۰ از حرکتی
نظیر حرکت دولتین امپریالیستی
ترکیه عراق را در ایجاد و اشکالی
دیگر به انجام رسانده و جنبش
قدرت مند خلق کرد عراق را بعد
از قرار داد الجزایر و بندوبست
با دولت حاکم و با تهاجم پهنه
زمینه جنبشی های فلسطینی که کرده
بود (از طریق جنبش در فلسطین
رهبری فلسطینی آن و غیره) به
فکمت گمانید، ولی در دیگر
زمینه را بسرای سرکوب گشوده
شده های خلق کرد در عراق
فراهم نمود.

قرار داد کنونی سوریه
از نقطه نظر عسلی ایجاد قرار داد
الجزایر را ندارد و این علاوه بای
خود را جای همان گذاشته و

دوست همان سیاست ها و روشهای
را در این زمینه احیاء کرده است
که در توافق الجزایر بین رژیم
شاه و دولت عراق به اضا رسیده
بشود.

اما اگر قرار داد الجزایر
توانست پایدار مانده، عسلی
حرکت تاریخی توده ها را صد
نمایند، قرار داد ترکیه و عراق
نیز خواهد توانست و اینک اگر چه
در انقلاب در منطقه در تلاش احراز
موقعیت از دست رفته خوش است
و تصای توان خود را بکسه
و همانند همین شکل ممکن به کار
گرفته است که بر جنبش انقلابی
شده های زحمتکش فائق آمده،
آنها در خاک و خون کشیده، لیکن
تجربه نزدیک به یک دهه گذشته
بخصوص آشکار می سازد که تارویخ
همیشه به ثمر نرود، ها و قی خود
و سرکوبگران آنها را در زباله -
دانی خود فرو افکنده است. و
هائیکه که قرار داد الجزایر
بهین دولت عراق و رژیم شاه و
قرار داد های نظیر آن عسلی
صورت ناپسند گشته اند و در
مقابل اراده توده ها، به قی -
پاره ای تبدیل شده اند و تصای
تلاش عام احیاء کنندگان آنها
نقش بر آب گشته است این بار
نیز احیاء کنندگان قرار داد
ارتجاعی جدید یعنی دولت
ارتجاعی عراق و ژنرالهای
حاکم بر ترکیه (حتی فرماندهان
آنها در ناتو) نیز نخواهند
توانست در مقابل اراده تارویخ
جنبشی که برای احقاق حقوق
عادلانه خود کسب حق تعیین
سرنوشت نمایند در سه کشور ایران
و عراق و ترکیه با قدرت تمام
رشد نموده و تکلیف می گردند
و در هر کدام مطالب بسا
صراحت رشد و میزان قدرتی
خود برای آینده ای نوین تلاش
می کنند، مساوت نموده و بهر آن
در خواهند آمد.

اینک وظیفه تمامی
نیروهای انقلابی نه تنها در
کردستان بلکه در سراسر جهان
است که با افسای این قرار داد
شوم و حمله چکمه پوشان حاکم
بر ترکیه بر مردم زحمتکش و
ستمدیده کردستان عراق، و
هدستی آنها با رژیم ارتجاعی
عراق سرور حق طلبانه دولت
کرد را به گوش جهانیان رسانده
و در جهت تبلیغ اهداف انقلابی
آن از هیچ کوششی فروگذاری
نکنند.

نام و یاد اسکندر ...

از صفحه ۱۸

سخت‌ترین شرایط حیات سازمان با سختی و فکریاتی و کار و فعالیت بلاوقفه و تعطیل - ناپذیر نقش مهمی را در امر پیگیری اهداف انقلابی سازمان بر عهده داشت و در راه دست یافتن به هدف و رفع نارسایی‌ها در افق آمدن بر مشکلات در هر تلاش و فداکاری بی دریغ و سخت‌کوش بود. در صحن طولانی و پر فراز و نشیبی که اسکندر پیموده بود، جریان واقعی عمل او را آبدیده کرده و با ارتقاء خصمتها و شایستگی هایش از او عنصری سخت و پیرا و سرعین حال حسین و منطقی ساخته بود.

اسکندر در تمامی مراحل زندگی انقلابی، قبل و بعد از قیام ۵۷ همواره چه در دوران محرومی با رفیق کبیر همیشه اشرف رهبر سازمان و حرکت متفهم در عملیاتهای نظامی و تشکیلاتی سازمان و چه در جریان روزی منبسط کارگران و زحمتکشان سرزمین ایران و تلاش بسیاری سازماندهی مبارزات توده‌ای و پیگیری امر جنبش مظهر تمام کمال اراده شکست ناپذیر سازمان و الگوی بارز و رفیقای نمونه بود. نزدیکی و تماس او با رفیق حمید باعث گشته بود تا بسیاری از خصمتهای پرپیوسته و خلق و خوی انقلابی آن رفیق در وجود اسکندر تجلی نماید و شخصیت او را تا سطح عالی شخصیت یک انسان کمینیت تکامل بخشد.

اسکندر بعنوان یکی از رهبران وفادار به ارمان پروتاریا به هیچ چیز جز به سرنویست پیروزنده توده‌ها جز به ارمان والای سازمانش که از امضای طب‌گرمین بدان مشغول بودند نی‌اندیشید و در راه پیوستن به اهداف عالی‌ه جویانی که بدان تعلق داشت و در صحن عظیم آن هزاران تن از باارزشترین انسانها جان باخته‌اند بی هیچ تردید و تزلزلی به پیش می‌تاخت.

او در مقابل اپوتونیستهای گتیه مرکزی سرعت مریضه‌ای خود را با خائنین به خلیسین روشن ساخت و از مواضع

آید و تزلزل سیاسی انقلابی و شوائب و اختصار سازمان به دفاع برخاست. اسکندر در تصمیم - گویا پیش از انقلابی توفیق - نفس وزید و تمامی که بسا حدیقت برای عمل فوری داشت تاویل به مقصد که غنای آن نیز لازمه طرح جوشش بود تاصل را جایز نس داشت.

اسکندر بر از مبارزکاری اکثری های فکری و تفسیر و صرف جنبش انقلابی خلق کرد بعنوان اولین مسئول نظامی سازمان بعد از انتمتساب مسؤییت یافت تا به بازسازی تشکلات گردستان بپردازد. او با کار فعال و مستمر چون تله تا تشکلات شاخه گردستان سازمان را احیا نماید و پیشروگان و رفقای انقلابی را خشن و ساینده‌ای نماید. کار و تلاش اسکندر در سازماندهی و ارتقای او از خود پرچار کرد و پایه‌های نفوذ سازمان را در دست توده های زحمتکش طبق کرد و جنبش توده و فعالیت سازمان نظامی را پیوسته و فایده‌ها را به دست آورد.

اسکندر با شروع دوران مبارزه خود بر تمامی زمینه ها و مدها - هر گویا که به پیش او نیاز بود - آماده عمل بود. او در سازمان مسئول نظامی سازمان نظامی توانایی بالایی در زمینه ر انتقال توده و ارتقاء کیفی های هم‌رزمنی در بسیاری از اموریت - های نظامی که خود او طراحی اصلی آنها بود شرکت می‌کرد تا سرانجام در یکی از اینها با دشمنانها در بهرمان ۶۰ در طول چارده اسل

پس از یک سرگیری طرانی و بیانات و باطن چندین نفر از سروران جبهه انقلابی شهادت رسید.

گردان جبهه چندین ساله اسکندر را به پیش از رجسته - ترین کارهای سازمان مسئول ساخته بود. او که خود همواره پیشروان حرکتها بود جنبشی حضورش به تنهایی کافی و نیرو - بخش بود. مصروفیت کمتری و رفاقت انجمن اسکندر شجاعت وافر و جلالش او را در شمار ارزنده ترین رفقای سازمان قرار داده بود. او در ضمن هر گتای عطش آتلیستهای خاصی از خود بروز می‌داد. کار آنسی اسکندر تمام با فعالیت و پیگیری در انصار و طرانی او را

از مبارزه و سوزای در بین باران و تمامی کسانی که او را می شناختند و با او زندگی یا مبارزه می نمودند بر سر بار ساخته بود. از همین رو بود که پس از شهادت عمرو - آنکس هم چند سلاح او بر زمین نماند و گروه غرنده در دست بارانش به جا مانده، اگرچه پس از شهادت او نیز وقته ای در حرکت سازمان به پیش ایستاد نگردید، لیکن جای خالی اسکندر در همه جا حس می‌بوده و هست.

مسئله از شهادت اسکندر گذشت. اگرچه او از جان صاف رفت لیکن عزیز هم بسیار کسی نماند با او کرد که او شهادت رسیده است. هر لحظه تداعی خاطره های حماسی اسکندر او را با شای پانی و صداقتی و بسا تمامی قدرت و علاقتش در صفوف سازمان تا زنده و مجسم نماید. اسکندر امروز در اسطوره سازمانش در ارمان پیونده طیف کارگر ایران در صحنه خونین مبارزه سرسخت کمونی آن زنده است.

دو خطه از جناح دین‌توده ...

از صفحه ۱۳

ما ایمان راسخ داریم که سازماندهی هرچه قدرتمند و پویاترین جنبش توده‌ای در هر گرام از این کشورها (ایران و عراق و ترکیه) و در هم - شکنی پایه های قدرت رژیم های ارتجاعی آنها، تنها راه مقابله قطعی با چنین قرار دانهائی است. رژیم‌هایی که پای چنین قرار دانهائی را اضا می‌کنند، دشمنان قسم خورده نه تنها خلق کرد بلکه هم‌گروه حقیقی اجنماعی توده های زحمتکش بوده و هستند و سازماندهی مبارزه هرچه قدرتمندتر علیه آنها تنها راه پاسخ واقعی به تلاش‌های صدها هزاره آنهاست.

پیروز بسیار جنبش انقلابی - دگرگتیک خلق کرد در ایران عراق و ترکیه برای کسب حق تعیین سرنوشت خود

مجله گیتی

کوه که دیدگانه
تکیت طایفه خود را
ضمین جنبش "عقبات" بود
سراسری صورت ظاهر خود را با
جنبش بیانی به خلق انگیز
ساخت و جهت گیری سیاسی
خود را آشکارتر می سازد.
جنبش کارگری و انقلابی
منتهی افکاره و سراسری باید
از کوه که غلبه فکری باشد
که جنبش لفظی را بر عمل او
روا داشته و از طریق تسلط
آگاه نیروی سرانجام بر سر
انقلاب سراسری بیانش
فقدان یک طرف انقلابی
سراسری شدت بهانه دوران را
باز کرده است و بدین وسیله
عصاب خود را از "خلق افکاره"
بها جدا نموده است و راه
سختی خود را در برابر
نیاز به یک تبیین نیروی مردم
نموده و یک صورت سراسری
است در جهت کوه که است تا
بدین صیقل و با تسریع
نیرویی از طریق بسط کردن

راستین نیروهای انقلابی آنها
را از "بدترین ضربات" بهانه
چونان معتقد به پیوسته
از کوه که جنبش خلق کرد با
جنبش آنها جنبش بسط دارد.
به راستی که بزرگاری کوه که
سه و سرانجام ندارد.

کوه که با جنبش پرخوردی
چشم بر راهی است بسته است و
با پرخوردی مظلمانه خود در
سال جنبش کارگری و انقلابی
سراسری و تقویت سازات
کارگران و صنعتگران سراسری
ایران و سرچشم چشم انستیتا از
تکیت برای آن نیرو مظلومانه
تسری پرخوردی را از خود بر روز
باده است. کوه که که مدعی
"حزب کمونیست ایران" بودن
را غیر بدک می کند عملاً
خود را از جریان امور کنار
کشیده و همه ساله را به
تأثیر خود بخودی "هدایت
سنگ" جنبش سراسری خلاصه
نموده و پرخوردی "بهانه"
چونان به این "هدایت سنگ"
تند نظرات و "توسعه" آن به
جنبش سراسری کارگران و
صنعتگران نیز گمراه نموده

کوه که با نفس مازمانده
آگاهانه جنبش ارتجاعی تأثیر
آن بر روی جنبش را فکری شده
و نقش دنیایه رو. حوادث بودن
را همیشه کرده است تا "هدایت
سنگ" و جنبش سراسری در
تأثیرات مقابل حوادث ممکن
خود به خود اوضاع را تنظیم
نمایند. با جنبش دیدگاهی
مسلماً کوه که از اینای نقش
فعال جنبش در تحقق امراتوی
جنبش خلق کرد نیز که
اماسی ترین سرفصل آنرا
رهاگی از جنبش ملی که متوج
از حاکمیت نظم موجود است و
نیز بازمانده به فشر حوادث
خود به خودی و قهرمان شعارهای
پوچ و سرسختی و غیر عظمی
مسئول خواهد گشت مسلماً جنبش
دیدگاهی در پای خود را در
تمامی زمینه ها باقی خواهد
گذارد.

(ادامه دارد)



محمد گسب نژادی

بود برای ادامه تحصیل و کار
جهت تأمین اسرار معاش خود و
خانواده اش و این نور سوزگت
و در آنجا به تحصیل اشتغال
رفت.

آنچه که در طی این
زندگی گویاه همه گیر را از
انزوا و محبت بر سر جنبش
تسلی و ساخت اندیشه و تلاش
برای رفاه و سلامت بود جنبش
از نظر و تلاک و بدینتر آن بود
که در نهایت در راستای این جنبش
و انتقاد جنبش به کمونیسم
علم رفاهی و سعادت بسطرت
سراج بگرفت و در راه تحقق
آرمان طبقات کارگر به نیرو با
مزدوران سرمایه پرداخت.

اچ گیری جنبش نیروهای
مالی ۱۹۷۰ و همه گسب را
چون خیل مظم انسانهای از خود

گفته به یک مبارزین خلق
گمانده بود و همه گسب از آن
پس از یک جنبش سعادت
آزادانه و ملی اش یک لحظه
از ایام و تلاش انقلابی خود
فراق نبود و سرانجام فعالیت
انقلابی با سرسختی و سست
تاریخی خاطرهای پرارزش و
فراموش نماندنی از کسار و
فعالتهای مبارزین اش در
جهان مبارزتهای خودهای در
برابر پوچهای نظامی رژیم و
تلاشهای انقلابی در کوه که
و هائمی سازمان با تهمین و
رژیم گسب در جنبش در جریان
نیروهای متعدد از سداگری و
قدرت و بسط نظامی فکری
در جهان عسرتان و زحمتگان
متمددیده آردستان از خود
و برای گذارد و نام او بعنوان
یکی از فرماندهان برجسته در
تاریخ جنبش مازمانستان
به ثبت رسیده.

همه گسب فرمانده برگزیده
یوشترگان فدائی تنها و تنها
در جنبش واقعی عمل و سرگشت
سختیم در عمل مفلات آن بود

که توانسته بود با ارتقا
تواناییهای خود شایستگی اش را
برای فرماندهی به اثبات رساند
و نه تنها بعنوان عنصری فکری
به خود و دارای شخصیتی مستقل
و بارز بودن از اعتبار نهایی
در جمع رفقای پرخوردار بود
بلکه خود به یکس از نقاط
انگای ضروری و لازم جدول گشته
بود، و از همینجا بود که
وجود او در درون شاخه مازمان
ضرافی با خلق ارزشهای بود
که تک تک آنها منتهای نیرو و
انرژی انقلابی و گرضابخش
فعالیت انقلابی تشکلات بودند.
ارزشهایی که درک فضا هم آنها
بیشتر از هر زمان در صورت
فقدان همه گسبها مضمون
من گردد و بر فشار سنگین
ضایعه "نجات رفیقی پرارج
چون او در چندان می افزایش
همه گسب در شمار محدود
فرماندهان نظامی بود که از
بینش سیاسی قوی پرخوردار
مستند. او توانسته بود در
زندگی مبارزاتی اش تلفیقی
در صفحه ۱۷

سازمان جریکهای فدائی

محمد کسوزانی ...

تتالیب بیسن نمائینهای نظامی
و سیاسی اهدار نمائید و
تواناییهای را در هر دو عرصه
آزمنه نمودید.

قدرت حصه در این بود
که او توانسته بود تصور
لیکناتی را در سازمانگرانه
خود به اهرم مادی تبدیل
بخشد و با قدرت ابتکار و
خلاقیت خود عرصه های نوینی
را در تمامی زمینه ها
ببازاری خود بازگشاید و این همه
زنانی که با تهور و روحیه و
حیثیت و غرض او به هم می آمدند
در عرصه خود از همه کس
انسان طراز نوینی را می ساخت
که با حضور خود در هر محیط
و جهت سازمانی می توانست
تأثیرات اساسی در آن بصر جای
گزارده و خود زمینه ای برای
اهداء و تقویت روحیه و نظم
انقلابی و جدیت تشکیلاتی در
انجام همه امور گردد. بدین
گونه بود که همه کس
عظمت عصر گناه نبود به
استادواره فراموش نماندنی و
تصوره سرخشان انسان کمونیست
و کمونسده راه رهائی طبقه
کارگر خلقهای سراسر ایران
تبدیل گشته و نام و پیاد او
امروز الهام بخش تمامی
رهائی او در نبردهای سخت
انگیز و همیشه است.

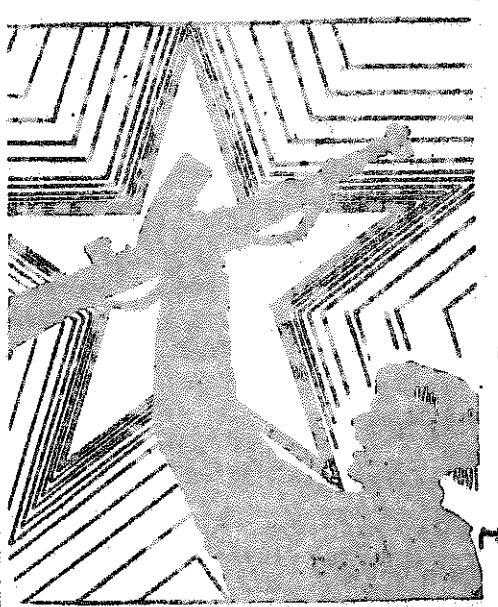
خاداره بر شکوهی گرامی باد!

به روی گشود که م س که در بین
ناید و زنده و
در دستم که در دستانت که له بال
ها و پریان نه که در کن
...
در انگشتم می نهد و
هنرم می نهد و
خه و نه گانیم می خندان
در چاکش زانم

گرد به سرد نه که م
کرمین که زایه به کساری
...
چون که نه در بر خاستی به سوری
جانگی تر
له دانی که لانی را
له دایه در دینه و ...

کسوزانی

به یوسن کیم
به سوخته لکی به مناسن
من که و که م
گرد لیره ترنه بم
خه و نه گانیم که و نه تره بین
...
فیتا نازیم و
به برای خه و نه گانیم
دنیای تهی ده که م
...
به رانی که له غیباتابه و در و امن
گسری تازه به چنن
و له که ل پیشگونی نه م گولانه
نمای من دین
...
بسر له چاره م که ره و
به م و جا و م می پیشه رکه بهت بود
تاد و ز من له خاکسا بهننی
نه زانن چون چاره م غوی نه نونی
...
که م که س پیکه نینی ضی بیسی
به لام زه و نه نه ی فه را پیش کسرام
له که ل گزنگی سه رکه خندا به بینن
...
به بسیاری نه م نم لی م که ن
بازنه قبی م موغان به نه م
له گنت قونافه گانی وان را
بسنم که و ره غریب له وهی که هم
...
نه م نی را نه نه م
نه و گولانه ن که ته قاندم
له گیل م موغه هدیت له دایت م
که رجه م شم نه نینی
نه چه نیوتنه م نی
نه و مند الهی ر زگار م کرد ...



شماره
لوگوان
سازمان جریکهای فدائی خلق ایران
را بخوانید

ر یکباره و هدفمند مبارزه
کشور است. (بالاخر) چنین
ارگانهای طبیعی هستند
هیچ تردیدی بستر اتصال
چگونگی اولیته منورم زهنگشرو
۲۰۰۰ هجری و حافظه و ضامن
رچنین حقوقی در مقام
سرگشته سیاسی خواهند
بود و خود به اهم قیدتقاضی
برای ایجاد تحولات کیفی در
جنس منسوب می گردند.

ضرورت ایجاد یک قدرت
توده ای را همه واقفیتهای
کشور مبارزه و الزامات رشد
آسی آن هر لحظه گردن
می نمایند امری که باید با
حیث تمام به آن پرداخت و
تکلیف قطعی سیاست هائسی
همچون کوچ اجباری و غیره
را بلکه حتی مهم تر از آن
تاسی سیاست های ضد انقلابی
روم جمهوری اسلامی در
گردستان را در ایجاد و تحکیم
آنها در میان توده ها و اتکاء
به قدرت لایزال آنها در
تاسی زنده ها باید جستجو
کرد. مبارزه کشوری خلق
کرد نیز که در تاسی
زنده ها به پایگاه توده ای
جنس تکلیف است و از دل آن
تغذیه و تامین می گردد با
اتکاء به چنین قدرت شگرفی
سرچشمه بیشتر شگرفان شده
سرعه های نوینی را پیش روی
خود باز خواهد گشود.

ایجاد یک قدرت ضد توده ای
تکلیف و در بهترین حالت
تنها قدرت توده ای است و
هیچ خرد و نیروهای واسطه و
منطقه نمی تواند را
سازماندهی خواهد کرد و خواهد
ترانس چنین قدرتی را به یک
قدرت سراسری در گردستان
بمدل سازد.

باید به این امر اساسی
در این زمینه توجه داشت که
قدرت ضد توده ای که تجلی
خود را در ایجاد و انجمن
ارگانهای اقدار توده ای و
حاکمیت آنها بر سرنوشت سیاسی
و اجتماعی گردستان برسد
می کند اساساً با قدرت این
با آن سازمان و صورت سیاسی
فرق اساسی دارد که در چنین
حال خود بیشتر فعالیت و صل
آنها و مبارزات ترقی و سالم
آنها نیز هست.

باید و اساس ایجاد چنین
ارگانهای را همین قدرت
بالقوه و بالفعل توده ها که
هر روز و هر گزشتان خود
را به تاسی اشکار می سازد
عزل اهداف اساسی جنس
کشوری منور بر حق تعیین
سرنوشت خلق کرد از طریق فعال
تبدیل همین ارگانها (در هر
شکل ممکن) ایجاد تحولات
اساسی در زندگی سیاسی و
اجتماعی و اقتصادی توده های
مضطرب و در شرایط کشوری بطور
شخص ضرورت بیشتر خواهد

تبدیل و تشکیل توده ها
از صفحه ۲

آزادانه و تفکلی آنها و
تعمین بخشیدن به آنها
بر اساس اعتماد به قدرت
تخمس و انقلاب آگاهان
آنها از طریق شرکت فعال و
همه در ارگانهای خاص خود
که بر فضای اهداف اولیه
جنس کشوری در اساسی ترین
ویژه آن به وجود آمده اند
سرچشمه و هر نیروی
که امروز از قدرت ترک این
سازمان خواهد ساخت
تاسی تلاش خود موقوف به

خلق کرده پیروز است
جدول یک نگاه
طبیعت پیشران
حسین سرد

آمار این جدول عمدتاً از
انجمن و انجمن های حزب کمکرات
و تهیه که برگرفته شده است.
۲۷ شهریور ماه تا ۲۷ مهر ماه

غنائیم بدست آمده	
۱۳۷	جنگ افزار انفرادی
۸۴	انواع نارنجک
۱۴	بیسیم
۱۴۱۵۷	انواع فشنگ
۲۰	گلوله آر.بی.جی
۱۵	جنگ افزار سنگین و نیم سنگین
۲۰	گلوله سنگین و نیم سنگین
۹۱	بیوسفن فریب خوردگان

تلفات دشمن	
۸۷۵	کشته و زخمی
۲۷	اسرای دشمن
۷۱	خودرو و وسایل مواصله شده
۱	سلاحهای منهدم شده
۱	سپهات منهدم شده
۴۱	شهدای پیشمرگه
۱۵	اهالی بی دفاع

عملیات پیشمرگه	
۶۴	گنبن و گنقنول جاده
۴۴	عینی گذاری
۵۴	مقاومت در برابر نیروهای رژیم
۱۱	حمله به مراکز رژیم در شهرها
-	ظلم سلاح به ارتقاء
۵	مشاره و انهدام تاسیسات
۴۴	حمله به پایگاهها
۲۰۹	جمع

سهرگه و توبی پرونده های شورشیگرانه ی گولی گورد

